



The Legal Status of Marriage with Non-Mahram Relatives from the Perspective of Jurisprudence and Comparative Law

Seyyed Mohsen Ghaemi Kharagh¹ Sajjad Davarpanah Moghadam²

DOI:

10.30497/FLJ.2026.248575.2207



Abstract

The right to marriage, in general, means the right of any person to chose of the opposite sex for marriage and forming the family. This right is limited by various restrictions according to the value concepts and customs of the society in which the marriage takes place. In the meantime, the issue of this article is a case study of one of the issues and examples of this right, namely marriage with relatives. The famous public jurists (Sunni jurists) have considered marriage with relatives to be preferable and have issued fatwas to detest it. This approach is contrary to the well-known theory in Imami jurisprudence, according to which marriage with relatives is emphasized. The public jurists and also Allama Hilli, have based their argument on narrations that are apparently documented by the Prophet. This article, based on the descriptive-analytical method and library studies, has concluded that these expressions are narrative-like [not authentic narrations] and are only expressions of folk beliefs and from the the second caliph that have been attributed to the Prophet in the context of time and lack of validity. In comparative law, despite some differences in procedures, the same permissibility or non-permissibility (in terms of illegality and lack of legal recognition of the marriage relationship and criminalization of this marriage in the form of illicit sexual intercourse) is also observed, based on medical research and based on some folk beliefs.

Keywords: Marriage, relatives, right to Marriage, Islamic Jurisprudence, comparative family law.

1. (Corresponding author) Assistant Professor, Department of Human Rights and Environmental Law, Shahid Beheshti University. Tehran. Iran. sm_ghaemi@sbu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Razavi Khorasan, Iran.

sajjad.davarpanah@mail.um.ac.ir

وضعیت حکمی ازدواج با بستگان نسبی نامحرم از منظر فقه و حقوق تطبیقی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲

سید محسن قائمی^۱*

سجاد داورپناه مقدم^۲

Doi: 10.30497/FLJ.2026.248575.2207

چکیده

حق بر ازدواج در عموم و اطلاق خود، به معنای حق انتخاب هر فردی از جنس مخالف برای ازدواج و تشکیل خانواده است. این حق، با قیود مختلفی حسب انگاره‌های ارزشی و عرف جامعه بستر ازدواج، محدود شده است. در این میان، مسئله این نوشتار، بررسی موردی یکی از مسائل و مصادیق این حق، یعنی ازدواج با بستگان نسبی است. مشهور فقهای عامه، ازدواج با بستگان نسبی را مرجوح قلمداد کرده، و فتوا به کراهت آن داده‌اند. این رویکرد برخلاف نظریه شهرت یافته در فقه امامیه است که بر اساس آن، بر ازدواج با بستگان نسبی تأکید شده است. فقیهان عامه و نیز علامه حلی با استناد به روایاتی که ظاهراً مستند به پیامبر ﷺ است، استدلال خود را بنا نهاده‌اند. این نوشته مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، با بررسی سندی و دلالتی این روایات، به این نتیجه دست یافته است که این عبارات، روایت گونه (و نه روایت معتبر) و تنها عباراتی از خلیفه دوم و عوام هستند که در بستر زمان به پیامبر ﷺ نسبت داده شده‌اند و فاقد حجیت هستند. در حقوق تطبیقی نیز با وجود برخی اختلاف رویه‌ها، بر اساس تحقیقات پزشکی و مستظهر به برخی باورهای عامیانه همین جواز یا عدم جواز (در سطح غیرقانونی بودن و عدم شناسایی حقوقی رابطه ازدواج و جرم‌انگاری این ازدواج در قالب رابطه جنسی نامشروع) مشاهده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اقارب، بستگان نسبی، حق بر ازدواج، فقه اسلامی، نکاح.

۱. (نویسنده مسئول) استادیار گروه حقوق بشر و حقوق محیط زیست دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

m.ghaemi313@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان رضوی، ایران.

sajjad.davarpanah@mail.um.ac.ir

مقدمه

در ادبیات حقوق بشر، استقلال جنسی و حق بر ازدواج به معنای حق دو نفر برای انتخاب یکدیگر و تشکیل خانواده بدون دخالت ناروای دولت است.^۱ ازدواج در دین اسلام نیز امری مشروع و مورد تأیید شارع مقدس است که در مواردی با توجه به حالات شخص به جهت خویشتن‌داری از گناه و توان برآورده‌سازی نیازهای همسر آینده خود، احکام و جوب، حرمت، استحباب و کراهت بر آن بار می‌شود؛ اما گاه مقید شدن ازدواج به احکام پنج‌گانه تکلیفی، متأثر از موضوعات خارجی است که وفق آن، در مواردی نکاح با بعضی از اشخاص، حرام، با برخی مکروه، و با بعضی دیگر مستحب یا مباح است؛ برای مثال، شیخ طوسی با توجه به آیه شریفه «وَسَيِّدًا وَحَصُورًا» (آل عمران / ۳۹) حکم عدم ازدواج کسی را که میلی به زنان ندارد، مستحب می‌داند (۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۱۶۰؛ همچنین نک: لامع و دهقانی‌نیا، ۱۴۰۳ش، ص ۱۷۰). یکی از افرادی که ازدواج با آنان در روایات مورد مناقشه قرار گرفته است، بستگان نسبی نامحرم است؛ به عبارت دیگر، عرف و عاداتی که میان برخی از مردم جهان و به تبع آن میان مسلمانان وجود دارد، سبب می‌شود اشتیاق فزاینده‌ای به ازدواج با بستگان نسبی وجود داشته باشد. دلیل این کار ظاهراً در ناخودآگاه زوجین و مشوقان ایشان به ازدواج نهفته است؛ عواملی همچون: شناخت بیشتر خانواده‌ها از یکدیگر، حفاظت از نام و نسب، تقویت روابط خانوادگی و حفظ اموال.

در این مقاله سعی بر آن است که این نهاد فقهی اجتماعی، در بعد ازدواج با بستگان نسبی نامحرم و از زاویه ریشه‌یابی دلایل موافقان و مخالفان آن به بوته نقد کشانده شود. درباره دایره موضوعی این نوشتار نیز باید چنین توضیح داد که این نوشتار، به بستگان نسبی نامحرم خواهد پرداخت. به عبارت دیگر، بستگان نسبی که محارم نام می‌گیرند، تخصصاً از موضوع بحث ازدواج با بستگان نسبی خارج هستند؛ در نتیجه موضوع بحث، ازدواج با فرزندان و اشخاصی مانند فرزندان و نوادگان عمو، عمه، خاله و دایی خواهد بود.

1. See: Obergefell v. Hodges, 135 S. Ct. at 2589.

سازه تحقیق نیز بدین نحو است که ابتدا مطالعه موردی محدودیت ازدواج با بستگان نسبی نامحرم در پرتو ادله فقهی و سپس ادبیات حقوقی بررسی می‌شود.

پیشینه تحقیق

درخصوص پیشینه تحقیق نیز گفتنی است که تنها اثر متمرکز درخصوص این موضوع، مقاله «ازدواج‌های باطل (ازدواج با بستگان و غیرمسلمان) و مبانی فقهی آن» (انگورج تقوی، و پاسدارهیر، ۱۳۹۳، ص ۱۰-۳۰) است که تنها در قسمت کوتاهی از مقاله، به ذکر آیات ناظر به حرمت ازدواج با بستگان، اعم از نسبی و رضاعی پرداخته، و تدقیق چندانی در این خصوص رخ نداده، و به توصیف ادله اکتفا شده، و از بررسی تطبیقی فقه امامیه و عامه احتراز شده است.

تحلیل رویکرد فقهی به مسئله ازدواج با بستگان نسبی نامحرم

پیش‌تر، نیازمند توضیح است که برخی رویکردهای فقهی، ازدواج با بستگان نسبی نامحرم را مستحب، و بعضی دیگر، این نوع ازدواج را مکروه می‌دانند که تحلیل مستند این قبیل آراء و ارزیابی استنادی آن در ادامه خواهد آمد. در فقه عامه نیز جمهور فقهای شافعیه (بجیرمی، ۱۳۶۹ق، ج ۳، ص ۳۲۳؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۰۶) و مشهور حنابله (حجاوی مقدسی، بی تا، ص ۱۶۱؛ ابن عبدالحق، ۱۴۱۶ق، ص ۲۱۵) قائل به استحباب در این خصوص شده‌اند.

۱. ادله کراهت ازدواج با بستگان نسبی نامحرم

۱-۱. دلیل قرآنی

ازجمله ادله قائلان به کراهت، این آیه است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ» (احزاب/۵۰). کیفیت این دلیل بدین صورت است که این آیه در مقام بیان تعرض به حکم ازدواج با بستگان نسبی نامحرم نیست و تنها دلالت بر صحت ازدواج بدون قید قرابت میان زوج و زوجه دارد. فقها نیز از این آیه احکامی غیر از حکم ازدواج با بستگان نسبی نامحرم را استنباط کرده‌اند؛ ازجمله حکم عدم انحصار ازدواج پیامبر ﷺ در

چهار عدد (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ۵۹) و صحت وقوع نکاح برای پیامبر به لفظ هبه (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۰۰؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲۳، ص ۹۸؛ علم الهدی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۲۵). برخی از فقها نیز چنین نوشته‌اند که برفرض آنکه روایات در مقام مشروعیت ازدواج با بستگان نسبی باشند، این آیه نمی‌تواند مجوزی برای ازدواج با بستگان نسبی باشد. این استدلال برمبنای اعتقاد بر ایجاد زمینه فعال‌سازی بیماری‌ها و نقایص ژنتیکی در فرزندان شکل گرفته است که والدین آن‌ها نسبت خونی دارند؛ از این رو با وجود چنین پیش‌فرض ذهنی‌ای، آیه متبادر به حالتی دانسته می‌شود که بیماری‌های نهفته‌ای برای پیامبر ﷺ و بستگان ایشان وجود نداشته، یا امکان انتقال این بیماری‌ها در آینده به فرزندان ایشان تصور نمی‌شده است. براین اساس مستدل در حالتی که ظن به وجود و انتقال بیماری و نقص در فرزندان حاصل از ازدواج با بستگان داشته باشد، این قبیل ازدواج را خالی از اشکال نمی‌داند. حسب این رویکرد دلالت‌شناسانه به آیه شریفه، از آیه فوق اطلاقی برای ترجیح و حتی مجوز ازدواج با بستگان برداشت نمی‌شود (محسنی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۴).

۲-۱. ادله روایی

این تفکر در خصوص اهل سنت وجود دارد که ایشان ازدواج با بستگان را مکروه می‌دانند؛ اما این دیدگاه، رویکرد غالب اهل سنت نیست و تنها در بعضی از کتب شافعی و حنبلی به این کراهت اشاره شده است (حمدان، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۴). در میان امامیه نیز علامه حلی، برخلاف مشهور فقها، ازدواج با افرادی را که از بستگان نسبی نباشند را مستحب دانسته است (بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۹). هر دو این آراء موجود در فقه امامیه و عامه، به برخی عبارات روایی استناد جسته و نیز برخی تعلیل‌ها را مطرح کرده‌اند؛ در یکی از این تعلیل‌ها آمده است که مرد در ازدواج با بستگان نسبی خود میل و شهوت کمتری به همسر خود دارد و این خود عاملی برای ضعف نطفه و به دنیا آمدن فرزندی خواهد بود که از ضعف جسمانی و ذهنی رنجور است (علامه حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۹). نمونه این رویکرد را می‌توان در حقوق کشورهای دیگر و مباحث پزشکی نیز سراغ گرفت.

ریشه تقبیح و ذم نکاح با بستگان نسبی در میان فقیهان اهل سنت، روایاتی است که در ذیل

تحلیل می‌شود:

۱. «أبعدوا فی النکاح ولا تُضووا» یکی از دو روایتی است که براساس آن، فقهای عامه ازدواج با بستگان نسبی را مکروه دانسته‌اند. براساس این خط فکری و استنباطی، تنها دلیلی که در این روایت برای تقبیح ازدواج با بستگان نسبی بیان شده، تولد فرزند نحیف و لاغر است؛ اما بعضی از فقیهان اهل سنت، ادله دیگری نیز در این خصوص مطرح کرده، و دایره تعلیل را توسعه بخشیده‌اند؛ از جمله آنکه دلیل تولد چنین فرزندی را وجود حیا و به تبع آن کاهش میل جنسی میان زوجینی می‌دانند که نسبت خونی دارند (ابو المعالی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۲، ص ۲۸). برخی دیگر از فقها درباره تحکیم نظریه «کراهت ازدواج با بستگان نسبی» چنین تعلیل کرده‌اند که: «کودک بستری برای تجمیع صفات پدر و مادر خویش است و زمانی که نسبتی میان زوجین نباشد، کودک صفات بیشتری را به ارث خواهد برد که به معنای تقویت قوای جسمانی و ذهنی او است» (سدیس، ۱۴۲۵ق، ص ۲۱۷). در خصوص اعتبار سندی عبارت پیش گفته، در کتب لغوی (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۸۹)، روایی و فقهی اهل سنت، این عبارات، با متن‌های متفاوتی بیان شده است که با وجود تأکید بر مضمون واحد (عدم توصیه به ازدواج با بستگان نسبی و تقبیح ضمنی ازدواج با بستگان نسبی نامحرم)، کم و بیش تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در بعضی از کتب لغوی این عبارات گاهی تنها به عنوان یک جمله یا مثالی در باب لغات خاص که رنگ و بویی از شرع در آن وجود ندارد بیان شده‌اند، همچون «استغربوا لا تضووا» و «اغتربوا ولا تضووا» و گاه در بعضی از کتب، با عبارات «فی الحدیث» یا «جاء فی الحدیث» یا «وُرد فی الخبر» همراه شده‌اند که بر جواز استفاده از آن‌ها به عنوان یک دلیل شرعی دلالت دارد (ابن سکیت، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹۷؛ جاحظ، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۳۶۷).

۲. عبارت روایی «لا تنکحوا القرابه القریبه فان الولد یخلق ضاوياً» نیز دلیل نکوهش ازدواج با بستگان نسبی است. تعلیل چنین امری، تولد فرزندان است که از ضعف جسمی و ذهنی رنجورند. مستند به این عبارات، فقهای عامه دیدگاه علم طب را مؤیدی بر ضعف جسمانی و ذهنی نوزادان متولدشده از این نوع ازدواج بیان کرده‌اند و حکم به کراهت ازدواج با بستگان

نسبی کرده‌اند (زحیلی، بی‌تا، ج ۹، ص ۶۶۲۷). در این تعلیل که رگه‌هایی از استدلال بر پایه قیاس در آن نمود دارد، چنین بیان شده است که ازدواج با بستگان نسبی همچون کشت یک محصول خاص برای سالیان پیاپی در زمینی خاص است که نتیجه آن چیزی جز ضعف کشت نیست؛ لذا ازدواج با بستگان نتیجه‌ای جز تولد فرزندان ضعیف در پی نخواهد داشت (رضا، ۱۹۹۰م، ج ۵، ص ۲۷). سیر استدلال براساس روایت اخیر دارای دو مقدمه است؛ طبق مقدمه اول، «شهوت که با قوه احساس منبعث می‌شود، تنها از طریق لمس و نظر به امری جدید حاصل می‌شود؛ درحالی‌که امر معهودی که ذهن با آن آشنا است، این احساس را بر نمی‌انگیزاند و به تبع آن شهوتی در حد کمال نیز منبعث نمی‌شود» (غزالی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱؛ رضا، ۱۹۹۰م، ج ۵، ص ۲۶). طبق مقدمه دوم نیز «دلیل تولد فرزندان که از ضعف جسمانی و ذهنی رنج می‌برند، تضعیف شهوت در پدر و مادر به جهت ازدواج با بستگان نسبی است» (رافعی قزوینی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۴۶۷؛ متولی شعراوی، ۱۹۹۷م، ج ۴، ص ۲۰۹۴). براساس این مقدمات، ازدواج با بستگان نسبی نامحرم امری مذموم است که حکم شرعی آن کراهت است (بغوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۳۴؛ رافعی قزوینی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۴۶۷؛ اسنوی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۱۸؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۹، ص ۶۴۹۷).

۲. ادله رویکرد «استحباب‌انگاری» نکاح با بستگان نسبی نامحرم

بخشی از ادله این رویکرد ناظر به رد نظریه قبل، و بخشی دیگر، استدلال‌هایی است که درباره تثبیت نظریه استحباب‌انگاری طرح شده است.

۲-۱. رد ادله کراهت نکاح با بستگان نسبی نامحرم

۲-۱-۱. رد دلیل قرآنی

این ادعا که آیه ۵۰ احزاب دلالت بر تشریح حکم کلی ازدواج دارد و دلیلی بر مجوز ازدواج با بستگان نیست، مدعایی نادرست است؛ چه آنکه مشروعیت ازدواج، پیش‌تر در آیات فراوان دیگری بیان شده است که از جهت تاریخ نزول مقدم بر این آیه هستند؛ از این رو، بیان مشروعیت ازدواج پیامبر ﷺ با بستگان نسبی ایشان، دلیلی جز بیان مشروعیت این نوع ازدواج نیست. افزون‌بر این، در آیه، قیدی در مقام مخاطب یا انصرافی ذهنی وجود ندارد، به گونه‌ای که ماهیت

اطلاق در جواز ازدواج پیامبر ﷺ با دختران عمو، دختران عمه، دختران خاله و دختران دایی ایشان را دگرگون سازد. نبود قیدی در مقام تخاطب بدین نحو متصور است که هر مسلمانی از زمان صدور آیه تا زمان حال، با شنیدن این آیه، ازدواج با بستگان نسبی را مقید به علم پیامبر به منتفی دانستن بیماری یا عدم انتقال آن به نسل بعد نکرده است. افزون بر این، از حیث وقوعی نیز چنین امری بعید است که مسلمانان با شنیدن مجوز ازدواج پیامبر با بستگان نسبی، چنین جوازی را ناشی از علم حضرت به فقدان بیماری یا عدم انتقال آن بدانند، حتی اگر چنین انصرافی نیز قابل تصور باشد، بسیار بعید است که این انصراف ناشی از کثرت کاربرد این آیه در علم پیامبر باشد و مانعی برای اطلاق آیه شکل دهد؛ براین اساس مجوز ازدواج پیامبر ﷺ با بستگان نسبی نامحرم، شیوع در تمامی حالات دارد و در قالب «قاعده فقهی اشتراک در احکام» (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۹)، این نوع ازدواج برای دیگر مسلمانان نیز، در صورتی که نهی از جانب آیات و روایات وارد نشده باشد، امری مجاز و مشروع خواهد بود (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۱۱، ص ۲۲۷؛ صدیق حسن خان، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۱۱۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ص ۲۰). افزون بر این نمی توان در این خصوص از علم شخصی و غیرعادی پیامبر به نفی اضرار ناشی از ازدواج با بستگان نسبی سخن گفت؛ چه آنکه براساس مبانی کلامی، تمامی علم نزد ایشان حاضر بوده؛ ولی بنا داشته است که براساس علم عادی رفتار کند (حر عاملی، ۱۴۳۵ق، ج ۱۷، ص ۹۱).

همچنین، براساس نظریه مشهور اهل کلام، صدور فعل مکروه از جانب رسول الله ﷺ قابل تصور نیست. ملازم با این گزاره، صدور مجوز ازدواج با بستگان نسبی برای پیامبر ﷺ از سوی شارع مقدس دلالت بر عدم کراهت این ازدواج دارد.^۱ شایان ذکر است که این استدلال

۱. در این خصوص شایسته ذکر است که در آیه شریفه ۵۰ احزاب، عبارت «خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» تنها به حکم اخیر ذکر شده در آیه ارتباط می یابد و احکام قبل را خاص و محدود به پیامبر قرار نمی دهد. به عبارت دیگر مفسران، در توضیح این عبارت بیان کرده اند که هرگاه زن با ایمانی خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود نخواهد) چنانچه پیامبر بخواهد می تواند او را به همسری برگزیند؛ اما چنین ازدواجی تنها برای ایشان مجاز است نه دیگر مؤمنان (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۱۶، ص ۳۳۵).

در صورتی قابل استناد خواهد بود که میان امتناع وقوع فعل مکروه از جانب معصوم علیه السلام با صدور مجوز وقوع آن از جانب خداوند تلازم باشد که بررسی وجود یا عدم وجود این تلازم مجال مستقلی می‌طلبد.

۲-۱-۲. رد ادله روایی

الف - رد دلیل روایی نخست

جمله «أبعدوا فی النکاح و لا تُضوؤا» در هیچ یک از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله وجود ندارد؛ از این رو ابن قتیبه (۱۳۹۱ق، ج ۳، ص ۷۳۷) عبارت «اغتربوا لآ تظووا» را در دسته احادیثی قرار داده است که از آن‌ها با عنوان «احادیثی که شنیده‌ام که اهل لغت آن‌ها را بیان می‌کنند و من صاحب این احادیث را نمی‌شناسم»^۱ یاد کرده است. متأثر از همین نبود اطمینان در استنادپذیری این عبارات به سنت و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله، بعضی از فقیهان عامه، پیش از بیان عبارت اصلی از جملاتی نظیر «قالوا» «یقال» «قیل» استفاده کرده‌اند که نشان از گمنامی صاحب این عبارات دارد (عسکری، بی تا، ج ۱، ص ۶۰؛ ابن شجری، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۵۲). حتی بعضی از فقیهان عامه، وجود این عبارات در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را انکار می‌کنند (حمدان، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۳؛ طریفی، ۱۴۳۸ق، ج ۴، ص ۱۹۸۷؛ سبکی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۳۱۰؛ ابو المعالی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۲، ص ۲۸) و خاستگاه آن را به خلیفه دوم برمی‌گردانند (ابن ملقن، ۱۴۲۵ق، ج ۷، ص ۵۰۰؛ عفانه، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۵۳)؛ بنابراین، فتوا به کراهت ازدواج با بستگان نسبی با استناد به این عباراتی که ریشه نبوی ندارند، فتوایی مستند به سنت نیست.

ب - رد دلیل روایی دوم

در خصوص عبارت روایی دوم نیز افزون بر اشکالات سندی مطرح شده در این نوشتار، این فتوا با واقعیت‌های مورد قبول مشهور فقیهان اهل سنت و معدودی از فقیهان امامیه، مبنی بر وقوع ازدواج با بستگان نسبی در سنت نبوی و اهل بیت ایشان، تعارض می‌یابد (الهی‌مید، ۱۴۴۳ق، ج ۴، ص ۴۴۱-۴۴۲). به عبارتی، پیامبر (ص) با زینب دختر عمه خود ازدواج کرده است و فاطمه

۱. احادیث سمعت أصحاب اللغة یذکرونها لا أعرف أصحابها.

زهرا(س) را به ازدواج پسرعموی خود درآورده است. زینب دختر دیگر ایشان به ازدواج پسرخاله خود ابوالعاص بن ربیع درآمده است. رقیه، دختر دیگر پیامبر(ص) نیز به ازدواج عثمان بن عفان درآمده است که به عقیده محب‌الدین خطیب، مادر عثمان از بستگان دور پیامبر ﷺ است. حتی ازدواج با بستگان در سنت اهل بیت ایشان نیز جاری بوده است؛ مثلاً زینب دختر امام اول شیعیان به ازدواج پسرعمویش عبدالله بن جعفر بن ابی طالب درآمد و امام زین‌العابدین (ع) با فاطمه بنت حسن (ع) دخترعموی خود ازدواج کرد.^۱

البته دیدگاهی که تنها ازدواج با بستگان نسبی نزدیک را مکروه می‌داند، ازدواج پیامبر(ص) با دخترعمه خود، زینب بنت جحش را که از نزدیک‌ترین افراد از بستگان نسبی است، مجوز این نوع ازدواج می‌شمارد و ازدواج حضرت علی(ع) با دختر پسر عموی خویش، حضرت فاطمه زهرا(س) را ازدواج با بستگان نسبی دور به شمار می‌آورد (ریان، بی تا، ۲۲)؛ اما پایه‌های این دیدگاه با ازدواج زینب دختر پیامبر(ص) با پسرخاله‌اش متزلزل خواهد بود؛ زیرا این ازدواج با بستگان نسبی نزدیک است.

حق آن است که اگر عرف را حاکم بر تفسیر دوری و نزدیکی در وابستگی نسبی بدانیم و حتی همین عرف نیز ازدواج با دخترعمو و پسرعمو را ازدواج با بستگان دور تفسیر کند، گرچه کراهت از ازدواج حضرت فاطمه و علی علیهما السلام زوده می‌شود؛ اما همچنان، برابر با عقاید فقهی اهل سنت و امامیه، با شارع مبلغی روبه‌رو خواهیم بود که خود با دخترعمه‌اش ازدواج کرده و دختر دیگر خود، زینب را به ازدواج خواهرزاده همسرش درآورده است؛ بنابراین وقوع فعل مکروه از جانب پیامبر خدا ﷺ استمرار داشته است. همچنین، شاهد وقوع فعل مکروه از جانب امام اول و چهارم شیعیان هستیم که یکی دختر خود را به ازدواج برادرزاده‌اش درآورده است و دیگری با دخترعموی خود ازدواج کرده است.

حال با تعارض میان مبانی کلامی و آنچه در حقیقت رخ داده است، چه باید کرد؟ از دیدگاه متکلمان اشاعره امکان وقوع فعل مرجوح پیش از مبعوث شدن از جانب پیامبر ﷺ وجود دارد؛

1. www.tarikh.noor.ir/fa/eventpage/2G67D

اما پس از بعثت، عصمت ایشان مانع فعل مرجوح و ترک راجح می‌شود؛ و حتی از دیدگاه مذهب حنفی وقوع خطا و لغزش پس از بعثت از جانب پیامبر پذیرفتنی نیست (جسر، ۱۹۷۰م، ص ۴۹). به جهت این ناهمسویی میان «مبانی کلامی امامیه و گروهی از اهل سنت»، با «واقعیت رخ داده»، وجوهی در حل این ناهمسویی طرح شده است؛ از جمله، استفاده از تعلیل موجود در روایات و آگاهی پیامبر درباره بطن امور است. براساس این توجیه، دلیل بر کراهت ازدواج با بستگان نسبی تولد فرزندان است که ضعف جسمانی و ذهنی رنج می‌برند؛ بنابراین اگر براساس آزمایش‌ها یقین به تولد فرزندان سالم حاصل شود، دیگر کراهتی متوجه این ازدواج نخواهد بود؛ گویا که پیامبر از این امر آگاه بوده، و ازدواج ایشان و ازدواج‌هایی که با اذن یا توصیه ایشان رخ داده است هیچ‌گاه سبب تولد فرزندان ضعیف نشده است (قندیل، بی تا، ص ۲۲)؛ چراکه در روایتی از پیامبر ﷺ، ازدواج حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را خداوند تعیین فرمود (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۹۳). بنابراین، ازدواج اهل بیت با بستگان نسبی، استثنائی بر یک قاعده کلی و همراه با علم به عدم تولد فرزندان دارای ضعف جسمانی و ذهنی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۴۶). این توجیه در حالی است که وفق خطاب خداوند به پیامبر ﷺ: «قُلْ لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْرَتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسْنِيَ السُّوءُ»،^۱ علم به غیب در امور دنیوی، جز در آنچه از طریق وحی منتقل شده، از پیامبر ﷺ نفی شده است.

حتی از دیدگاه فقیهان اهل سنت نیز نیازی به توجیه عمل پیامبر ﷺ وجود ندارد؛ زیرا عباراتی که در آن نهی از ازدواج با بستگان نسبی شده، و به آثار مخرب آن تأکید شده، هیچ‌گاه از جانب ایشان بیان نشده است و تنها اعتقاد عوام یا اظهار نظر صحابه بوده، که در گذر زمان مستند به پیامبر اسلام ﷺ شده است (طریفی، ۱۴۳۸ق، ج ۴، ص ۱۹۸۷). این اشتباه تاریخی، متأثر از جلالت مقام فقهایی در فقه عامه است که چشم را بر سبک نوشتاری ابن اثیر بسته‌اند؛

۱. بگو که من مالک نفع و ضرر خویش نیستم، مگر آنچه خدا خواسته است و اگر من از غیب (جز آنچه به وحی می‌دانم) آگاه بودم، بر خیر و نفع خود همیشه می‌افزودم و هیچ‌گاه زیان و رنج نمی‌دیدم (اعراف/۱۸۸).

زیرا وی در شرح کلمات از هر عبارتی استفاده می‌کند؛ خواه آن عبارت، روایتی مستند باشد یا عبارتی جریان یافته بر زبان عوام (البانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۶۰۵).

۲-۲. سایر ادله رویکرد استحباب انگاری ازدواج با بستگان نسبی نامحرم

۲-۲-۱. ادله قرآنی

بخشی از ادله این رویکرد، عموم و اطلاق ادله دال بر مشروعیت و جواز ازدواج در منابع معتبر اسلامی است؛^۱ از جمله آیه ۲۱ روم که در تفاسیر از آن به عنوان دلیلی برای مطلوبیت ازدواج یاد می‌شود؛ چراکه هر انسان در فرض «تنهایی و تجرد» در مقابل جنس مخالف، موجودی ضعیف و ناقص در نظر انگاشته می‌شود و در ازدواج با جنس مخالف، به کمال و غنا دست می‌یابد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۴۷۰؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ص ۱۷؛ طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۱۶، ص ۱۶۶؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص ۲۶۰). چندان که در این آیه مشاهده می‌شود، آثار ازدواج (تسکین و مودت و رحمت)، به نحو مطلق بر تمامی اشکال ازدواج مترتب است و در آن تفاوتی میان ازدواج با بستگان نسبی دور یا نزدیک یا ازدواج با غیربستگان وجود ندارد؛ و متفرع بر این نقطه کانونی، زمانی که نهادی سبب مودت و آسایش روح و روان باشد و خداوند آن را مایه رحمت قرار داده باشد، هیچگاه غضب مؤکد و غیرمؤکد خداوند بر آن تعلق نخواهد گرفت؛ مگر آنکه دلیلی بر این غضب وجود داشته باشد.

ازیک سو، مفسران آیه ۳ نساء را شاهی بر وجود «روند ازدواج» میان مردم و «تشریح» آن به دست شارع مقدس دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۸۵؛ طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۴، ص ۱۶۷؛ مراغی، ۱۳۶۵ق، ج ۴، ص ۱۸۰). از دیگر سو، دانشمندان فقه نیز هیچگاه عبارت «فَأَنْكِحُوا» در آیه حاضر را دلیلی بر وجوب نکاح مطرح نکرده‌اند و به عبارتی، آن را در حداقل مراتب بعث، امری استحبابی یا مجوز نکاح فهم کرده‌اند. به هر روی، اطلاقی که در این آیه وجود دارد، شیوع استحباب یا اباحه را در تمامی مصادیق ازدواج اعم از بستگان نسبی دور و نزدیک و غیر بستگان ثابت می‌کند؛ و در واقع، اثبات مرجوحیت نکاح در هر یک از

۱. آیات دیگری نیز وجود دارد: احزاب/۴۹؛ نساء/۲۲؛ بقره/۲۳۰.

مصادیق، از جمله در خصوص ازدواج با بستگان نسبی، نیازمند دلیلی خاص است. آیه ۳۲ سوره نور نیز در بعضی از آرا دلیلی بر مشروعیت و اباحه (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۷۸؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۳) و در بعضی دیگر از آرا دلیلی بر استحباب تشکیل نهاد خانواده دانسته شده است^۱ (شهید ثانی، بی تا، ج ۲، ص ۶۴؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۸؛ یزدی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۷۵)؛ گلپایگانی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۰۱). فقهای امامیه بر اساس آیات فوق، مشروعیت و استحباب نکاح را جزو ضروریات دین به شمار آورده‌اند (صاحب جواهر، ۱۴۲۱ق، ج ۲۹، ص ۱۴). به هر روی، مانند آیه پیشین، می‌توان از امر موجود در عبارت «وَأَنْكِحُوا» استحباب و در مرتبه ضعیف‌تر، حکم اباحه را برای ازدواج افراد مجرد استخراج کرد. خصیصه این حکم نیز به جهت برخورداری از اطلاق، شیوع استحباب و اباحه در هر مصادقی از مصادیق ازدواج است. بر این اساس، خروج هر مصادقی از مصادیق ازدواج از شمول حکم اباحه یا استحباب نیازمند دلیل معتبر است.

همچنین در آیه ۲۳ نساء، نکاح با هفت نفر از بستگان نسبی حرام شمرده شده است. کیفیت استدلال به آیه شریفه در گرو پذیرش مفهوم حصر از آن (در کنار برخی مبانی مانند قبح عقاب بلا بیان و ضرورت بیان همه موارد حرمت نکاح با بستگان در صورت وجود چنین حرمتی) خواهد بود؛ به تعبیر دیگر، چنانچه دلالت آیه بر انحصار ثابت شود، در این فرض، ازدواج با دیگر بستگان نسبی حلال، و ملحق به حکم اصلی استحباب نکاح خواهد بود؛ اگرچه در مقام شک با استعانت از اصل صحت و حلیت این ازدواج قابل تصحیح است. در مذاهب مختلف

۱. همچنین این آیه، شاهدی بر ترغیب به ازدواج آسان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۹۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۲۰؛ طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۳۲؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۱، ص ۱۳۴؛ القرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱۲، ص ۲۳۹) و نیز فراهم کردن اسباب ازدواج آسان برای تمامی اقشار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۵۶-۴۵۷) که تحت عنوان حق بر ازدواج و تشکیل خانواده می‌توان از آن یاد کرد و در این خصوص، مصادیقی از آن در زمره امور حسبیه قرار دارد و صرف بخشی از بیت‌المال در این خصوص مشروع است؛ همچنان‌که در روایت امام صادق علیه السلام آمده است: «مردی را که استمناء کرده بود، نزد امیر مؤمنان علیه السلام آوردند. حضرت به دست او [تازیانه] زد تا جایی که سرخ شد. آنگاه از محل بیت‌المال برایش زن گرفت» (کلینی، ۱۴۲۳ق، ج ۲۵، ص ۶۵).

عامه، براساس همین کیفیت استدلال، به اباحه ازدواج با سایر اقارب حکم داده شده است (قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۱۰۵؛ ابو زهره، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۲۹؛ دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۸، ص ۶۵؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۰۲؛ حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۰۲۹). همچنان که مذاهب عامه همین شیوه استدلال را درباره آیه ۵۰ احزاب نیز به کار برده‌اند که با حذف موارد تحریم شده در این آیه، سایر موارد ازدواج مانند ازدواج با زنان دارای قرابت مانند دختران عمه، عمو، خاله و دایی، مباح و مساوی با ازدواج با اجانب دانسته شده است (طنطاوی، ۱۹۹۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۷؛ صدیق حسن خان، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۱۱۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ص ۲۰۶).

با فرض پذیرش استدلال فوق، آیه بیان شده دلیلی برای حکم به صحت ازدواج با بستگان نسبی است؛ اما بر خلاف آیه ۵۰ احزاب نمی‌تواند دلیلی متقن جهت رویارویی با دیدگاهی باشد که در آن، این نوع ازدواج مکروه دانسته می‌شود؛ چه آنکه، قدر متیقن از دلالت این آیه، بیان صحت ازدواج است و حسب اجماع، صحت، به‌عنوان حکمی وضعی، و کراهت، به‌عنوان حکمی تکلیفی، درخصوص افعال غیرمعصوم قابل جمع است.

۲-۲-۲. تحلیل سنت معصومان

در کتب روایی امامیه نیز دو روایت در تحسین و ارج نهادن ازدواج با بستگان نسبی بیان شده است که در بعضی از آرای فقهی مستند ترجیح ازدواج با بستگان نسبی قرار گرفته است (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۸۴؛ چه‌آنکه، درون این نوع ازدواج، علاوه بر اقدام به امر مستحب ازدواج، صله رحم، به‌عنوان فریضه‌ای واجب نیز تحقق خواهد یافت (شهید اول، ۱۴۳۰ق، ج ۱۵، ص ۲۳۷؛ فاضل مقداد، ۱۳۶۱، ص ۴۱۰؛ انصاری، قدرت الله، ۱۴۲۹ق، ص ۵۹؛ سیفی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹). البته شایان ذکر است که برخی از فقیهان امامی مذهب، بدون حکم به کراهت این ازدواج، توصیه به ازدواج با غیر بستگان کرده‌اند (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲۳، ص ۱۸). در ذیل به دو روایت در این خصوص اشاره می‌شود که با توجه به وثاقت و امامی بودن محمد بن علی بن حسین ابوجعفر (ابن بابویه)، سند معتبری به شمار می‌رود:

الف - روایت پیامبر ﷺ

«نَظَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى أَوْلَادِ عَلِيٍّ وَجَعَفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ «بَنَاتُنَا لِبَنِينَا وَبَنُونَ لِبَنَاتِنَا» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۹۳). پیامبر ﷺ در این روایت به حضرت علی علیه السلام و برادر ایشان جعفر بن ابی طالب توصیه می‌کند که بهتر است فرزندانشان را به ازدواج یکدیگر درآورند. فقها این روایت را برای نظریات مختلفی مستند قرار داده‌اند؛ از جمله آنکه، در برخی کتب فقهی از این روایت در ذیل موضوع حرمت ازدواج هاشمی با غیرهاشمی به‌عنوان دلیل یا مؤید استفاده شده است؛ در مقابل، اکثر فقها ازدواج هاشمی با غیرهاشمی را حرام نمی‌دانند و در توجیه این روایت علاوه بر ضعف سندی (شبییری زنجانی، بی تا، ج ۱۸، ص ۵۸۲۸) دلالت آن را بر وجوب ازدواج هاشمی با هاشمی ثابت نمی‌دانند (صاحب جواهر، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص ۴۲۳؛ روحانی، ۱۴۳۵ق، ج ۳۲، ص ۳۲۲)؛ با وجود این در استدلالی نادر دو تن از فقیهان امامیه این روایت را دلیلی بر استحباب ازدواج با بستگان نسبی قلمداد کرده‌اند (انصاری، قدرت الله، ۱۴۲۹ق، ص ۵۹؛ مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۱۲۵). به عبارت دیگر، اختصاص و وجوب کفویت در سطح «لزوم ازدواج هاشمی با هاشمی» اثبات نمی‌شود؛ اما مطلوبیت مادون وجوب آن با توجه به روایت فوق قابل توجه است.

ب - روایت امام زین العابدین علیه السلام

«قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ علیه السلام: «مَنْ تَزَوَّجَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَصَلَّةِ الرَّحْمِ تَوَجَّهَ اللَّهُ تَعَالَى بِتَاجِ الْمُلْكِ وَالْكَرَامَةِ»^۱ این روایت در بیشتر کتب روایی بیان شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۸۵؛ مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۹۴؛ عجلونی، ۱۳۵۱ق، ج ۲، ص ۲۳)؛ اما تنها سه تن از فقیهان امامیه آن را دلیلی بر استحباب ازدواج با بستگان نسبی دانسته‌اند (علامه حلی، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۸؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۰؛ انصاری، قدرت الله، ۱۴۲۹ق، ص ۵۹).

۱. این روایت در اهل سنت این گونه آمده است: وَعَنْ سُؤَيْدِ بْنِ وَهَبٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَبْنَاءِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَرَكَ لَيْسَ ثَوْبَ جَمَالٍ وَهُوَ يَقْدَرُ عَلَيْهِ وَفِي رَأْيِهِ: تَوَاضَعًا كَسَاءَهُ اللَّهُ حُلَّةَ الْكَرَامَةِ وَمَنْ تَزَوَّجَ لِلَّهِ تَوَجَّهَ اللَّهُ تَاجَ الْمُلْكِ». رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ (ابو داود، ۱۳۲۳ق، ج ۴، ص ۳۹۵).

در انتهای این قسمت ضروری است به این نکته اشاره شود که در صورت تعارض ادعایی میان این روایات با عبارات روایت‌گونه مطرح‌شده در قسمت ادله مکروه‌انگاری، باید توجه داشت که در این قبیل موارد، پیش از جمع مفهومی و دلالتی میان هر روایاتی که در ظاهر از تعارض رنجور هستند، ابتدا باید صحت و سقم این روایات بررسی شود؛ به بیان دیگر روایات زمانی متعارض خواهند بود که هر یک از دو روایت به اصطلاح اصولیان بما هو هو و فارغ از مقام تعارض، حجت و قابل استناد باشد؛ از این رو، چنانچه روایتی بدون در نظر گرفتن تعارض با دیگر روایات از حیث سندی قابل اثبات نباشد، دیگر بحث از تعارض سالبه به انتفای موضوع خواهد بود؛ بر این اساس، وجه الجمع ادعایی برخی فقهای امامیه در خصوص این دودسته از روایات، صحیح نخواهد بود. به اعتقاد ایشان روایاتی که نهی از ازدواج با بستگان می‌کنند، بستگان نزدیک را شامل می‌شوند و روایاتی که این ازدواج‌ها را توصیه می‌کنند، بستگان دور را در بر می‌گیرند (انصاری، قدرت الله، ۱۴۲۹ق، ص ۶۰).

در خصوص تحلیل سیره معصومان نیز چند نکته افزودنی است. بر اساس رویکردی که انجام یک مرتبه فعل مکروه از جانب معصوم علیه السلام را به شرطی که مداومت بر آن وجود نداشته باشد، امکان‌پذیر می‌داند (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵۰)، باز هم چنین ازدواجی از جانب معصوم علیه السلام قابل تصور نیست؛ زیرا از سیاق تعلیلی که برای نهی از ازدواج با بستگان نسبی وارد شده، این مسبب و منشأ است که متعلق نهی قرار گرفته است و برخلاف سبب آن (صیغه نکاح) مسبب و منشأ (نکاح) از وصف مداومت برخوردار است؛ بنابراین فعل مکروه از جانب معصوم علیه السلام با وصف وحدت در زمان وقوع صیغه نکاح قابل صدق است؛ اما حقیقت آن است که نکاح بر منشأ اطلاق می‌شود و باقی ماندن بر این نکاح، همان تکرار فعل مکروه است که بر اساس این دیدگاه، این چنین عملی از جانب معصوم علیه السلام قابل تصور نیست.

دیدگاه امتناع وقوع فعل مکروه از معصوم علیه السلام^۱، از دواج دختر معصوم علیه السلام با بستگان نسبی

۱. برای ملاحظه تفصیل این رویکرد،

را به مثابه یک فعل مکروه، به جهت ولایتی که معصوم علیه السلام بر صبیّه دارد، منسوب به معصوم می‌کند و تفاوتی ندارد که صحت نکاح دختر رشیده احتیاج به اذن پدر داشته باشد یا خیر؛ زیرا در هر صورت ازدواج زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله با پسر خاله خود (ابن سعد، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۵۴) و زینب دختر امیرالمؤمنین علیه السلام با پسر عموی خود به جهت رشیده نبودن آن دو، منتسب به معصوم علیه السلام است (ابن اسحاق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۶). علاوه بر این ازدواج حضرت علی علیه السلام با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ازدواج فاطمه دختر امام حسن علیه السلام با امام زین العابدین علیه السلام (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶، ص ۱۵۵) شاهدهی بر عدم کراهت این نوع ازدواج است و اختصاص و تبعیضی در خصوص این حکم گزارش نشده است و اثبات شدنی نیست. البته اگر توافق بر سر استناد ازدواج صبیّه معصوم علیه السلام به ایشان حاصل نشود و ازدواج با بستگان نسبی نیز فعلی مکروه باشد، در این صورت مبحث در دایره «استحباب نهی از (مکروه) مُنکر» وارد خواهد شد و حول این دیدگاه کلامی در چرخش خواهد بود که آیا معصوم علیه السلام می‌تواند ترک فعل مستحب به صورت مره و تکرار با همان تفصیلی که در مطالب پیشین ذکر شد، داشته باشد یا خیر؟

۳. حدود حق بر ازواج در وضعیت ازدواج با بستگان نسبی نامحرم، از منظر حقوق تطبیقی^۱

در هلند ازدواج با برادرزاده یا خواهرزاده، به دلیل خطر احتمالی نقص ژنتیکی در میان موالید این ازدواج، تنها با اجازه صریح دولت هلند مجاز است^۲ و در برخی جوامع مانند دوند و بیتانی پاکستان، ازدواج عموزاده‌ها را ترجیح می‌دهند و در این حالت، خلوص نسب را تضمین شده می‌دانند (Suad & Najmabadi, 2003, p. 261)، و در کانادا، ازدواج میان خاله‌ها و خواهرزاده‌ها و نیز عموها و برادرزاده‌ها قانونی است؛^۳ اما در همه ایالت‌های آمریکا ازدواج میان والدین و فرزندان، و خواهرها و برادرهای هم‌خون جرم قلمداد می‌شود و نظام مدنی نیز هرگونه ازدواج

۱. در این قسمت با وجود عموم کلمه «حقوق»، اما تنها نظام حقوقی کشورها یا آن دسته از آرای حقوقی مورد توجه قرار گرفته‌اند که متذکر موضوع این نوشتار بوده‌اند.

2. See: Bodissey, Baron (26 November 2008). Gates of Vienna News Feed 11/26/2008

3. See: Repeal laws banning cousins from marrying: Geneticists. CBC.

میان اعضای خانواده را بی‌اعتبار می‌داند.^۱ در ایالت فلوریدا، ازدواج با عمو، عمه، خواهرزاده یا برادرزاده نیز جنایت درجه سوم به شمار می‌رود.^۲ ایالات دیگر نیز معمولاً چنین ازدواج‌هایی را ممنوع می‌دانند.^۳ در آلمان، در سطح دادگاه‌های عالی، ممنوعیت ازدواج با بستگان به تأیید رسیده است.^۴ در انگلیس نیز ازدواج با بستگان شامل والدین، پدربزرگ، مادربزرگ، فرزند یا خواهر و برادر است^۵ و اخیراً نیز ازدواج با خواهر و برادر ناتنی، عمو، عمه، برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها نیز ذیل جرم «رابطه جنسی با یک خویشاوند بالغ» قرار گرفته است؛^۶ حتی برخی از کشورها، مانند برزیل^۷ نیز که چنین امری را ممنوع اعلام نکرده‌اند، آن را یکی از شروط تشدید مجازات تجاوز جنسی در نظر گرفته‌اند. برهمن اساس، برخی از حقوقدانان ازدواج با بستگان را یک «اشتباه مضاعف»^۸ در برابر عموم دانسته‌اند که وجهه کیفری و مدنی دارد و برخلاف بسیاری از اعمال مجرمانه دیگر، این خطای مدنی دارای جبران خصوصی نیست؛ بلکه منجر به عدم شناسایی حقوقی عمومی این نوع رابطه می‌شود.^۹

پس از بیان موضع برخی از کشورهای مدل در این خصوص، لازم است که به مبانی این هنجارها پرداخته شود؛ از جمله «دین» (Bennet et al., 2002, p. 110) و ملاحظات

1. See: generally Model Penal Code § 230.2 (Official Draft and Revised Comments 1980).

2. See: Criminal Law – Page 200, John M. Scheb – 2008

3. See: Family Law in the USA – Page 207, Lynn Dennis Wardle, Laurence C. Nolan – 2011

4. See: Lawrence v. Texas; see, e.g., Courtney Megan Cahill, Same-Sex Marriage, Slippery Slope Rhetoric, and the Politics of Disgust: A Critical Perspective on Contemporary Family Discourse and the Incest Taboo, 99 Nw. U.L. Rev. 1543, 1609 (2005). William Eskridge, Body Politics: Lawrence v. Texas and the Constitution of Disgust and Contagion, 57 Fla. L. Rev. 1011, 1057 (2005)

5. See: Incest by a man". Sexual Offences Act 1956. National Archives UK. Retrieved 28 March 2014.

6. See: Sexual Offences Act 2003. legislation.gov.uk. The National Archives of United Kingdom. Retrieved 28 March 2014.

7. See: Laws Regarding Incest, Wikipedia, https://en.wikipedia.org/wiki/Laws_regarding_incest#Brazil

8. Double wrong.

9. See: Grossberg, Governing the Hearth: Law and the Family in Nineteenth Century America 145 (1985).

انسان‌شناسی.^۱ همچنین، در برخی مطالعات، این امر ناشی از بیزاری جنسی میان اعضای خانواده‌ای که با هم بزرگ شده‌اند، تلقی می‌شود.^۲ (Claude, 1956, p. 278; see: Claude, 1969, p. 479; McKinnon, 2001, p. 277) و براساس آن، زیست‌شناسان تکاملی و روان‌شناسان معاصر (برعکس فروید) معتقدند که اجتناب از بستگان، طبیعی است و ازدواج با بستگان به دلیل برخی اختلالات رخ می‌دهد (Erickson, 1993, p. 411).

گزارش‌های جدیدتر زیست‌شناسی تکاملی نیز درخصوص حمایت از رفتار ممنوعیت ازدواج با خویشاوندان بوده است (Army, 2001, p. 209; Whitcombe, 2001, p. 267). درواقع، چنین رفتاری، استراتژی‌های جفت‌گیری طولانی‌مدت کودک را مخدوش می‌سازد و هنجار ممنوعیت ازدواج با بستگان، نوعی مکانیسم پیشگیرانه مؤثر در برابر این امر ایجاد می‌کند. همچنین در صورت وقوع این رفتار میان والدین و فرزندان، چنین رفتاری به احتمال بسیار زیاد میان این فرزند و فرزندش در آینده واقع خواهد شد.^۳ همچنین برخی از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که فرآیند تکامل انسان مختص ژن‌هایی است که باعث می‌شوند ارگانیسم‌ها نظام‌های رفتاری‌ای را ایجاد کنند که آن‌ها را از جفت‌گیری با خویشاوندان نزدیک ژنتیکی^۴ دور می‌کند.

برخی نیز موافقت با ممنوعیت ازدواج با بستگان را به دلیل نگرانی از «نقض اعتماد» و «نقض حریم خصوصی» بین اعضای خانواده تحلیل کرده‌اند (Collins, 2002, p. 758-765). در نظریات فمینیست‌ها نیز با تمرکز بر عدم تعادل قدرت ذاتی در رابطه نامتقارن میان والدین و فرزند، برخی از روابط ممنوع می‌شود؛ صرف‌نظر از اینکه این ارتباط ناشی از خون یا ازدواج یا مراقبت ایجاد شده باشد (Hammer, 2007, p. 1097).

۱. از منظر انسان‌شناسی، کلود لوی استروس بیان می‌کند که ممنوعیت ازدواج با محارم به دلیل غلبه بر «تأثیر انزوای خویشاوندی» و به منظور ایجاد پیوند با گروه‌های خارج از واحد بسته خانواده شکل گرفته است تا روابط گروهی هماهنگ‌تری

تضمین شود. See: Claude 1956, 278; see Claude, 1969, 479; McKinnon, 2001, 277.

2. See: Lieberman and Symons, 1998, p. 465.

3. See: Immerman and Mackey, 1997, p. 151.

4. Close genetic relatives.

دلیل دیگر، انزجار اخلاقی، پایه سنتی ممنوعیت ازدواج با بستگان نسبی است. البته بحث در خصوص اهمیت احساسات برای پی‌ریزی هنجارهای حقوقی، فراتر از رسالت این نوشتار است؛ ولی موضوعی است که باید به رسمیت شناخته شود و انزجار در میان فرهنگ‌ها نیز می‌تواند مبنای مفیدی برای قضاوت درباره قانونی بودن برخی اعمال باشد؛ مانند تشخیص انواع قتل‌ها و مجازات آن‌ها. البته در خصوص موضوع حاضر، انزجار ممکن است مبنایی نسبتاً ناپایدار باشد. همان‌طور که پژوهشگران متعددی معتقدند، همه اقسام روابط با موارد گوناگون بستگان، به یک اندازه انزجار در پی ندارند و حتی مخالفان ممنوعیت ازدواج با بستگان نسبی، خواهان لزوم ارزیابی مجدد این ممنوعیت از منظر انزجار اجتماعی هستند؛ از این رو، بعد از بیان این ناکارآمدی بر این باورند که: «بحث درباره مسائل بهداشتی، شاید دقیقاً همان چیزی باشد که ما به آن نیاز داریم.»^۱

در شاخه ژنتیک علم پزشکی نیز ثابت شده است که بسیاری از بیماری‌های موروثی، در صورت ازدواج فامیلی از حالت نهفته و مغلوب به حالت غالب و آشکار درمی‌آید و پیش‌تر، بسیاری از مشکلات عدیده مادرزادی و عقب‌افتادگی‌های ذهنی و جسمی، سلامت جسمی و روانی کودک و به عبارت حقوق بشری، حق کودک را در داشتن آینده‌باز و زندگی بدون درد و رنج، سلب می‌کند و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. براساس این مطالعات، در هر رابطه غیرفامیلی میزان ناهنجاری‌های شدید در فرزندان ۲ الی ۳.۵ درصد است. این در حالی است که در خصوص فرزندان متولد از روابط فامیلی، این ریسک بین ۳۲-۴۴ درصد است.^۲ این تحقیقات بر روی حیوانات دارای ژن‌های همگون نیز به نتایج مشابهی رسیده است؛ به نحوی که: «وقتی پرندگان خواهر و برادر در طول نسل‌های متوالی جفت می‌شوند، نسل فرزندان از بین می‌رود؛ زیرا برخی از ژن‌های آسیب‌رسان به احتمال زیاد در حیوانات هم‌خون یافت می‌شوند. برخی از ژن‌های بالقوه مضر، مغلوب هستند و در نتیجه وقتی با یک ژن غیرمشابه، جفت می‌شوند، بی‌ضرر هستند؛ اما وقتی با یک ژن مشابه ترکیب می‌شوند، آثار مخربی خواهند

1. See: Nussbaum, 2004, p. 171; Regan, 2007, p. 962.

2. See: Bennett, et al, 1999, 286.

داشت.^۱ ممنوعیت ازدواج با بستگان ممکن است ناشی از مشاهده کودکان غیرعادی ناشی از روابط جنسی میان اعضای نزدیک خانواده باشد (Grossberg, 1985, p. 273). مشابه همین مطالعات در بازه مکانی کاشان نیز نشان از آن دارد که از مجموع ۳۵۲۹ فرزند به دنیا آمده ۲۱/۸ درصد معادل ۷۶۸ مورد حاصل ازدواج فامیلی و ۲۷۶۱ مورد معادل ۷۸/۲ درصد حاصل ازدواج غیرفامیلی بوده‌اند. از مجموع ۷۶۸ ازدواج فامیلی ۵۴ مورد معادل ۷/۰۳ دارای ناهنجاری بوده‌اند که از این تعداد ۳۹ مورد معادل ۷۲/۳ حاصل ازدواج فامیلی نزدیک و ۱۵ مورد معادل ۲۷/۷ حاصل ازدواج فامیلی دور بوده است و فرزندان حاصل از ازدواج غیرفامیلی تنها دو درصد ناهنجاری داشته‌اند (موحدیان، مسیبی، یوسفیان، و مازوچی، ۱۳۸۴، ص ۸۷).^۲ مطالعه دیگری بر روی ۲۹ فرزند حاصل از ازدواج بستگان «خواهر و برادر» و «پدر و دختر» نشان داد که ۲۰ فرزند دارای ناهنجاری‌های مادرزادی بوده‌اند (Baird & McGillivray, 1982, p. 854-857).

در انتهای این قسمت، در خصوص اعتبار یافته‌های پزشکی، به‌عنوان مبنایی برای ترجیح یکی از اقوال فقهی و اساسی‌سازی آن در قوانین کشورهای اسلامی (تقنین الفقه)، نکاتی مطرح می‌شود: نخست آنکه، نقش علوم تجربی و ملاحظات پزشکی در غایت می‌تواند نقش مؤید و چیزی از قبیل حکمت احکام و نه فلسفه احکام قرار گیرد و احکام شرعی تابع ادله استنباط حکم شرعی هستند. در این خصوص، برخلاف ضعفی که در ادله حجیت تقبیح نکاح با بستگان نسبی وجود دارد و نمی‌توان از آن‌ها برای مرجوح بودن این ازدواج استفاده کرد، مستندات علم پزشکی نیز شأنی در حد نکات بالا و شناسایی موارد پرخطر ازدواج دارند و می‌توانند مجرای استناد به قاعده لاضرر باشند و نیز حرمت مقدمه حرام^۳ (ازدواج به‌مثابه مقدمه تولد فرزند مبتلا به برخی مشکلات

1. See: Bateson, 2005, 24- 25.

۲. برای مطالعات جزئیات نتایج پزشکی، نک: Thornhill, 1993.

۳. در فقه اسلامی رویکردهای متعددی در خصوص حرمت مقدمه حرام وجود دارد که در این مسئله نیز بایدی مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله اینکه اگر ازدواج با بستگان نسبی، علت تامه تحقق حرام باشد، به این نحو که پس از انجام مقدمه، ذی المقدمه هم تحقق یابد، این مقدمه (تسبیبی و تولیدی) حرام خواهد بود. همچنین اگر قصد توصل

و ناهنجاری‌ها) را فراهم سازند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که حتی نمی‌توان با توجه به اینکه متعلق ضرر متیقن، فرزند حاصل از ازدواج است و تلازمی میان ازدواج با فرزندآوری وجود ندارد، این حکم را کنار زد. البته در این خصوص باید توجه کرد که فرزندآوری مقتضای ذات نکاح است یا خیر، و به عبارتی آیا می‌توان نکاح این‌چنینی را با تقیید به عدم فرزندآوری، مجاز دانست یا خیر. در این باره به نظر می‌رسد که فرزندآوری، مقتضای اطلاق عقد نکاح است (انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۷۲). بر همین اساس، در یکی از ادعاهای شاکیان در رویه قضایی آمریکا مطرح شده است: «چنین ممنوعیتی چرا در آنجایی که برادر و خواهر از سن باروری خارج شده‌اند نیز باید اعمال شود؛ درحالی‌که مسئله ناهنجاری‌های ژنتیکی و متولدان ناهنجر در این فرضیه منتفی خواهد بود.»^۱ از این رو باید توجه داشت که ماهیت علم تجربی در این خصوص از باب تراکم ظنون می‌تواند استقرایی مفید ظن قرار گیرد؛ ولی نمی‌تواند لزوماً فلسفه حکم به شمار آید.

البته در خصوص استناد به «ضرر» چندان‌که در مطالعات مختلف اثبات شده، با طیفی از ضرر در همه انواع بستگان، بسته به درجه خویشاوندی، مواجه هستیم که در برخی، مانند ازدواج با خواهر/برادر و فرزند، درصد این ضرر بسیار زیاد است و در برخی موارد مانند پسرعمو/دختر عمو، درصد نسبی کمتری دارد؛ از این رو در اختصاص حکم حرمت و کراهت، باید به نسبت ضرر محتمل توجه داشت. در این خصوص آیت‌الله مکارم می‌نویسد: «این مسئله اگر در خویشاوندان دور مشکلی ایجاد نکند، همان‌طور که غالباً نمی‌کند، در خویشان نزدیک که هم‌خونی بیشتر است، مسلماً تولید اشکال خواهد کرد.»^۲ برخی از تحقیقات حاکی از آن است که: از نظر ژنتیکی والدین و فرزندان، خواهران و برادران، خویشاوند درجه اول هستند که ۵۰ درصد ژن‌های آن‌ها باهم مشترک است. عمو و برادرزاده، خاله و خواهرزاده، خویشاوند درجه دوم محسوب می‌شوند که ۲۵ درصد ژن‌های آن‌ها مشترک است. پسرعمو و دخترعمو، پسرخاله

به حرام وجود داشته باشد یا ثابت شود که مقدمه حرام از قبیل جزء اخیر علت تامه فرض شود، در حرمت مقدمه (ازدواج با بستگان نسبی) اشکالی وجود نخواهد داشت (جمعی از محققان، ۱۳۸۹، ص ۷۷۷).

1. See: *Frisby v. Schultz*, 487 U.S. 474, 485 (1988).

2. <https://old.makarem.ir/main.aspx?reader=1&pid=61782&lid=0&mid=3877>.

و دخترخاله، دایی زاده و عمه زاده خویشاوند درجه سوم هستند که ۱۲.۵ درصد ژن‌های آنان با هم مشترک است؛ و به همین ترتیب خویشاوند درجه ۴ و ۵ تعریف می‌شود.^۱

یافته‌های پژوهش

با استناد به اطلاقی که در آیات و روایات وجود دارد، شیوع استحباب و حتی اباحه نکاح درباره ازدواج با بستگان نسبی نیز جاری است و دلایل زیادی مانع از این اطلاق نیست. برخلاف باور جاری میان فقیهان اهل سنت، روایاتی که برای حکم به کراهت ازدواج با بستگان نسبی در کتب لغوی و روایی و فقهی اهل سنت به آن‌ها استناد شده است، تنها عباراتی هستند که از باورهای عامیانه نشئت گرفته‌اند یا عباراتی هستند که خلیفه دوم بیان کرده است و پیامبر ﷺ نه تنها سخنی در مذمت ازدواج با بستگان نسبی بیان نکرده است، بلکه در سنت ایشان و خاندان ایشان این نوع ازدواج جاری بوده است. اگر در این نوع ازدواج براساس آزمایش‌های پزشکی برای زوجین یقین حاصل شود که فرزندی که در آینده از آن دو متولد خواهد شد، مبتلا به بیماری ذهنی و جسمی است، براساس قاعده لاضرر و از باب مقدمه حرام اقدام به فرزندآوری حرام خواهد بود (در صورت قبول حرمت مقدمه حرام)؛ اما این حرمت تلازمی با حکم ازدواج ندارد و حرمت ازدواج از آن استنباط نمی‌شود. رویکردهای حقوقی سعی کرده‌اند مبتنی بر برخی تحقیقات تجربی یا باورهای عمومی، حکم دائمی و کلی منع ازدواج با بستگان نسبی در همه یا اکثر اقسام را بدون عرضه یک مناط شفاف، استخراج و تقنین کنند؛ اما رویکردهای فقهی معاصر که در فتاوی مراجع عظام تقلید نمود یافته است، این ممنوعیت را نه به صورت کلی و عام، بلکه تنها در موارد «هم‌خونی شدیدتر» قائل شده‌اند که این مستثنیات نیز اثبات قول مقابل (کراهت) نخواهد بود، بلکه اثبات حرمت ازدواج اضرائی است. در نهایت نیز گفتنی است که در حقوق تطبیقی، شیوه مواجهه با این قبیل ازدواج‌های ممنوع با بستگان نسبی، در قالب «عدم شناسایی رسمی ازدواج با بستگانی نسبی»، «جرم‌انگاری در قالب جنایت درجه سوم» یا جرم «رابطه جنسی با یک خویشاوند بالغ» نمایان شده است.

1 . http://genetics-online.info/cms/?page_id=272.

منابع

قرآن کریم.

- ابن اسحاق، محمد (١٣٩٨ق). سیره ابن اسحاق (کتاب السیر و المغازی). بیروت: دار الفکر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (١٣٦٣). من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر (١٤٠٦ق). المهذب. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن سعد، محمد بن سعد (١٤٢١ق). الطبقات الكبرى. قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابن سکیت، یعقوب بن اسحاق (١٤٢٣ق). اصلاح المنطق. بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
- ابن سیرین، محمد بن سیرین (١٣٥٩ق). تفسیر الأحلام. مصر: شركة مکتبه و مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.
- ابن شجرى، هبة الله بن علی (١٤١٣ق). أمالی ابن الشجرى. القاهرة: مکتبه الخانجی.
- ابن عبدالحق، محمد بن بدرالدين (١٤١٦ق). أخصر المختصرات فى الفقه على مذهب الإمام احمد بن حنبل. بیروت: دار البشائر الإسلامیة.
- ابن فارس، احمد بن فارس (١٣٩٩ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
- ابن فهد حلبي، احمد بن محمد (١٤٠٧ق). المهذب البارع فى شرح المختصر النافع. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (١٣٩١ق). غریب الحديث. بغداد: مطبعة العاني.
- ابن ملقن، عمر بن علی سراج الدين (١٤٢٥ق). البدر المنیر فى تخريج الأحاديث والآثار الواقعة فى الشرح الكبير. الرياض: دار الهجرة للنشر والتوزيع.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابو داود، سليمان بن اشعث (١٣٢٣ق). سنن ابى داود. هند: المطبعة الانصاریة.
- ابو المعالی، عبد الملك (١٤٢٨ق). نهاية المطلب فى درایة المذهب. جده: دار المنهاج.
- ابو زهره، محمد (بی تا). زهره التفاسیر. بیروت: دار الفکر العربی.
- اسنوی، عبدالرحیم بن حسن (١٤٣٠ق). المهمات فى شرح الروضة والرافعی. بیروت: دار ابن حزم.
- البانی، محمد ناصرالدين (١٤١٢ق). سلسلة الاحاديث الضعيفة وموضوعاتها وأثرها السیئ فى الأمة. ریاض: مکتبه المعارف.
- انصارى، قدرت الله (١٤٢٩ق). موسوعة أحكام الأطفال وأدلتها. قم: مركز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).
- انصارى، مرتضى بن محمدامین (١٤١٥ق). كتاب النکاح. قم: مؤسسه الکلام باقری.
- انگورج تقوی، حسین؛ پاسدارهیر، پریناز (١٣٩٣). ازدواج های باطل (ازدواج با بستگان و غیرمسلمان) و مبانی فقهی آن، دانشنامه حقوق و سیاست، ١٠(٢٢)، ص ١١-٣١.
- بجیرمی، سلیمان بن محمد (١٣٦٩ق). حاشیة البجیرمی على شرح المنهج. مصر: مطبعة الحلبي.

- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق بن حسن (۱۴۱۲ق). *فتح البیان فی مقاصد القرآن*. بیروت: المكتبة العصرية.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۱۸ق). *التهدیب فی الفقه الشافعی*. بیروت: محمد علی بیضون.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۲۳ق). *البيان والتبيين*. بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- جسر، حسین بن محمد (۱۹۷۰م). *الحصون الحمیدیة للمحافظة علی العقائد الإسلامیة*. اندونسیا: مكتبة محمد بن أحمد نيهان.
- جمعی از محققان (۱۳۸۹). *فرهنگ نامه اصول فقه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جمل، سلیمان بن عمر (بی تا). *فتوحات الوهاب*. بیروت: دار الفکر.
- حجاوی مقدسی، موسی بن احمد (بی تا). *زاد المستقنع فی إختصار المقنع*. ریاض: دار الوطن للنشر.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۳۵ق). *وسائل الشیعة*. قم: الإسلامیة.
- حسینی مراغی، عبد الفتاح بن علی (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقهیة*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- حمدان، احمد بن عبدالعزیز (بی تا). *دلیل مكتبة المرأة المسلمة*. السعودیة: الكتاب منشور علی موقع وزارة الأوقاف السعودیة بدون بیانات.
- حوی، سعید (۱۴۲۴ق). *الأساس فی التفسیر المؤلف*. قاهره: دار السلام.
- خطیب شریینی، محمد بن احمد (۱۴۱۵ق). *مغنی المحتاج إلی معرفه معانی ألفاظ المنهاج*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- دروزه، محمد عزة (۱۳۸۳ق). *التفسیر الحدیث*. القاهره: دار إحياء الکتب العربیة.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۱۷ق). *العزیز شرح الوجیز*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- رضا، محمد رشید (۱۹۹۰م). *تفسیر المنار*. القاهره: الهيئة المصریة العامه للكتاب.
- روحانی، محمد صادق (۱۴۳۵ق). *فقه الصادق*. قم: آیین دانش.
- ریان، احمد علی طه (بی تا). *فقه الأسرة*. بی جا: بی نا. (نرم افزار شامله)
- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۲۲ق). *التفسیر الوسیط*. دمشق: دار الفکر.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی (بی تا). *الفقه الاسلامی وأدلته*. دمشق: دار الفکر.
- سبکی، عبدالوهاب بن علی (۱۴۱۳ق). *طبقات الشافعیة الكبرى*. مصر: هجر للطبعة والنشر والتوزیع.
- سدیس، محمد (۱۴۲۵ق). *مقدمات النکاح*. المدینة المنورة: الجامعة الإسلامیة بالمدینة المنورة.
- سیفی، علی اکبر (بی تا). *دلیل تحریر الوسیلة (النکاح)*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی.
- شیرینی زنجانی، موسی (بی تا). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- متولی شعراوی، محمد متولی (۱۹۹۷م). *تفسیر الشعراوی*. مصر: مطابع اخبار الیوم.

- شهید اول، محمد بن مکی (١٤٣٠ق). موسوعه الشهید الأول. قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی تا). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. ج اول. بی جا: بی نا. (نرم افزار جامعه الفقه)
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (١٤٢١ق). جواهر الکلام (الطبعة الحدیثة). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
- صادق تهرانی، محمد (١٤٠٦ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق بن حسن (١٤١٢ق). فتح البیان فی مقاصد القرآن. صیدا، بیروت: المکتبة العصریة للطباعة والنشر.
- طباطبائی، محمدحسین (١٣٥٢). المیزان فی تفسیر القرآن. لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (١٤٠٨ق). مجمع البیان. بیروت: دار المعرفة.
- طریقی، عبد العزیز بن مرزوق (١٤٣٨ق). التفسیر والبیان لأحكام القرآن. ریاض: مکتبه دار المنهاج.
- طنطاوی، محمد سید (١٩٩٧م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. القاهرة: دار نهضة مصر.
- طوسی، محمد بن حسن (١٣٩٠). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (١٣٨٧ق). المبسوط فی فقه الإمامیة (محمدباقر بهودی، محقق). تهران: مکتبه المرتضویة.
- عجلونی، اسماعیل بن محمد (١٣٥١ق). كشف الخفاء ومزيل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث علی أسننه الناس. لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- عسکری، حسن بن عبدالله (بی تا). جمهره الأمثال. بیروت: دار الفکر.
- عفانه، حسام الدین بن موسی (١٤٢٧ق). فتاوی یسألونک. فلسطین: مکتبه دندیس.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (بی تا). تذکره الفقهاء (الطبعة القدیمة: الإجارة إلى النکاح). تهران: مکتبه المرتضویة.
- علم الهدی، علی بن حسین (١٤١٧ق). مسائل الناصریات. تهران: رابطة الثقافة والعلاقات الإسلامیة.
- غزالی، محمد بن محمد (بی تا). إحياء علوم الدین. بیروت: دار المعرفة.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (١٣٦١). ضد القواعد الفقهیة علی مذهب الإمامیة. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (١٤٢٠ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- قرطبی، محمد بن احمد (١٣٨٤ق). الجامع لأحكام القرآن. القاهرة: دار الکتب المصریة.
- قندیل، محمد عبدالطیف (بی تا). فقه النکاح و الفرائض. بی جا: بی نا. کتاب إلكترونی بترقیم الشاملة.

- گلپایگانی، محمدرضا (۱۳۷۱). *هدایه العباد*. قم: دار القرآن الکریم.
- لامع، زهرا؛ دهقانی نیا، امیررضا (۱۴۰۳ش). بررسی اطلاق و تقیید حکم نکاح در آیات و روایات مذاهب اسلامی. *فقه و حقوق خانواده*، ۲۹(۸۱)، ص ۱۶۹-۱۹۲.
- الهیمنید، سلیمان بن محمد (۱۴۴۳ق). *دروس فقهیه*. کتاب الکترونی بترقیم الشامله.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. ایران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- محسنی، محمدآصف (۱۳۸۲). *الفقه ومسائل طبیه*. قم: بوستان کتاب قم.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- مراغی، احمد بن مصطفی (۱۳۶۵ق). *تفسیر المراغی*. مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی حلبی و اولاده.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹). *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *الفتاوی الجدیة*. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- موحدیان، امیرحسین؛ مسیبی، زیبا؛ یوسفیان، سعید؛ مازوچی، طاهره (۱۳۸۴). بررسی شیوع آنومالی های مادرزادی در ازدواج های فامیلی و غیر فامیلی. *علوم پزشکی فیض*، ۶(۳)، ص ۸۴-۸۸.
- یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم (۱۴۲۲ق). *العروه الوثقی فیما تعم به البلوی (بشرح لنکرانی)*. قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار (علیهم السلام).

- Amy, Adler (2001). The Perverse Law of Child Pornography, *Col. L. Rev.* 101(2), p. 209-222.
- Baird, Patricia. A; McGillivray, Barbara. (1982). Children of incest. *The Journal of Pediatrics*. 101(5), p. 854-857.
- Bateson, Patrick (2005). *Inbreeding Avoidance and Incest Taboos, in Inbreeding*. Calif: Stanford University Press.
- Bennett, Robin L.; Arno G. Motulsky; Alan Bittles; Louanne Hudgins; Stefanie Uhrich (2002) Genetic counseling and screening of consanguineous couples and their offspring: Recommendations of the National Society of Genetic Counselor. *Journal of Genetic Counseling*, 11(2), p. 97-119.
- Bodissey, Baron (26 November 2008). Gates of Vienna News Feed 11/26/2008.

- Hammer, Brenda J. (2007). Note: Tainted Love: What the Seventh Circuit Got Wrong in *Muth v. Frank*, *DePaul L. Rev.* 56, 1065, 1097.
- Claude, Lévi-Strauss. (1956). *The Family*, 278, in *Man, Culture, and Society* (Henry Shapiro ed. 1956), New York: Oxford University Press
- Claude, Lévi-Strauss. (1969). *THE ELEMENTARY STRUCTURES OF KINSHIP* 479 (Rodney Needham ed., James Harle Bell & John Richard von Sturmer trans.
- Collins, Leib (2002). Ruthann Robson, Assimilation, Marriage, and Lesbian Liberation, *TEMP. L. REV.* 75(4), p. 709, 758-765.
- Erickson, Mark (1993). Rethinking *Oedipus: An Evolutionary Perspective of Incest Avoidance*. *Am. J. Psych.* 150(3), p. 411-416.
- Grossberg, Micheal (1985). *Governing the Hearth: Law and the Family in Nineteenth Century America* 145, North Carolina: The University of North Carolina Press.
- Immerman, Ronald S. and Mackey, Wade C.. (1997). An Additional Facet of the Incest Taboo: A Protection of the Mating-Strategy template. *Genetic Psychol.* 158(2), p. 151-164.
- Lieberman, Debra; Symons, Donald (1998). *Commentary, Sibling Incest Avoidance: From Westermarck to Wolf*, *Q. Rev. Bio.* 73(4), p. 463-465.
- McKinnon, Susan (2001). *The Economies in Kinship and the Paternity of Culture: Origin Stories in Kinship Theory*, in *Relative Values: Reconfiguring Kinship Studies*. Durham: Duke University Press.
- Nussbaum, Martha (2004). *Hiding from Humanity: Disgust, Shame, and the Law* . New Jersey: Princeton University Press.
- Regan, Milton C. (2007). Moral Intuitions and Organizational Structure. *St. Louis L.J.* 51, p. 955-962.
- Suad, Joseph; Najmabadi, Afsaneh (2003). *Encyclopedia of Women & Islamic Cultures: Family, Body, Sexuality and Health*. The Netherlands: Brill.
- Thornhill, Nancy Wilmsen (1993). *The Natural History of Inbreeding and Outbreeding: Theoretical and Empirical Perspectives*. Chicago: University of Chicago Press.
- Whitcombe, Rebecca J. (2001). Child Sexual Abuse: Adult Survivors, Repressed Memories, and Stories Finally Told. *UCLA Women's LJ*, 11, p. 255-267.